

بعد از یکسال.....کجای کاریم؟

جمع بندی سالیانه ۱

ششم فروردین ماه هشتاد و شش

خبرنگار سندیکا

در آستانه سال نو در کجای زمین ایستاده ایم؟
خط فقر چهارصد هزار تومان در ماه اعلام می شود!
حداقل دستمزد ماهیانه کارگران یکصد و هشتاد و سه هزار تومان تصویب می شود!
سال گذشته حداقل دستمزد کارگران یکصد و هشتاد هزار تومان اعلام شد.
شوراهای اسلامی شرکت واحد از خرداد ۸۵ و جاهت قانونی ندارند!
طی دو سال گذشته نرخ تورم از سوی مراجع رسمی ۱۵% و از سوی منابع غیر رسمی که به واقعیت زندگی نزدیک تر است، بیش از ۵۰% اعلام می شود. هزینه اجاره بهای مسکن نزدیک به ۴۰% رشد داشته است. قیمت زمین و ساختمان در شهرهای بزرگ بیش از ۵۰% رشد داشته است.
واردات کالا طی سال گذشته از مرز ۴۶ میلیارد دلار گذشت.
آمار تعطیلی و بسته شدن کارگاه ها و کارخانه و بیکار شدن کارگران هر روز بیشتر می شود.
تعداد بیکاران طبق آمار رسمی به بیش از چهار میلیون و سیصد هزار نفر رسیده است.
تعداد لیسانسیه های بیکار از مرز ششصد هزار نفر هم گذشت.
وبی کاری همچنین شامل فوق لیسانسیه های بیکار هم می شود.

جمع بندی سالیانه ۲

خصوصی سازی یا خودمانی سازی صدها هزار کارگر را بیکار کرده است!
تعمیم معافیت کارفرمایان از مفاد قانون کار طبق ماده ۱۹۱ و دیگر مصوبات مجلس و دولت باعث خروج میلیونها کارگر از نظارت و شمول قانون کار گردید. از جمله: کارگاه هایی که از ۱۰ نفر کارگر کمتر دارند.
عقد قرارداد موقت کار به صورت شفاهی و کتبی بر خلاف ماده ۷ قانون کار از سوی کارفرمایان دولتی و خصوصی به سرعت در حال سرایت به کلیه کارگران ایرانی حتی در کارهای مستمر نیز هست، کارفرماها از قرارداد کارهای موقت یکماهه و سفید امضاء در برابر کارگران بدون تشکل استفاده می کنند.
از کارگران سفته می گیرند تا اعتراضی به شرایط غیر انسانی محیط کار نکنند. پیشنهاد اصلاحیه جدید قانون کار آخرین دستاوردهای عدالت جویانه انقلاب را بر باد می دهد.

اصلاح نکردن فصل ششم قانون کار بر طبق تعهد دولت نسبت به مقوله نامه ۸۸ و ۹۸ و سعی در حذف ماده ۲۷ و ۱۷ قانون کار و عدم توجه به اصل ۲۶ قانون اساسی و مقوله نامه ۸۷ و سرکوب سندیکاهای مستقل کارگری مانند: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه برای جلوگیری از تشکیل یابی مستقل کارگران بر خلاف تفاهم نامه های امضا شده در سال های قبل کماکان ادامه دارد .

صدها هزار نفر از کارگران ماه ها است که حقوق و دستمزد خود را دریافت نکرده اند و کارفرمایان دولتی و خصوصی طی سال ۱۳۸۵ هر روز بی توجه تر به حقوق قانونی و انسانی کارگران شدند .

موج اعتراضات کارگری به اشکال گوناگون صحنه اجتماعی کشور را دگرگون ساخته است . هر روز در کارگاه یا کارخانه ای حقی دیگر از کارگران پایمال می شود .

آموزگاران نیز به صنوف معترضین صنفی کارگری پیوستند . طی هفته گذشته آموزگاران و معلمان به مثابه بخش فرهنگی طبقه کارگر ایران ، جلوی مجلس را تبدیل به صحنه گسترده گفتگوهای صنفی - اتحادیه ای کردند . کارگران کارخانه ها و شرکتهای دولتی هر روز در جلوی مجلس - دفتر ریاست جمهوری ، وزارت کار و دفاتر مرکزی شرکتهای در شمال تهران به دنبال حقوق خود بوده اند .

افزایش دستمزدهای کارگران در مقابل نرخ فراینده تورم و گرانی آخرین امیدهای کارگران را برای بهبود شرایط کار و زندگی آنها و خانوادهايشان بر باد می دهد . عدم حضور نمایندگان واقعی کارگران در تشکیلات مستقل و آزاد سندیکایی خود ، باعث شده است هر روز بخشی از دستاوردهای گذشته کارگران از کف برود . ایجاد ، بازگشایی و گسترش و اتحاد سندیکاهای آزاد و مستقل کارگری از سوی کارگران و دیگر دستمزدبگیران بهترین راه حضور و تأثیر گذاری بر روند حوادث سردرگم اقتصادی امروز ایران است !

(اخبار کارگری)

حوادث ، ضمن کار روزانه جان ده ها تن از کارگران ایران را می گیرد!

خلاصه ای از بدترین حوادث کار در شرکت واحد :

مجتبی حسن زاده راننده منطقه ۲ بر اثر عدم رعایت موارد ایمنی و بهداشت کار از سوی کارفرما در پارکینگ منطقه ۲ شرکت واحد به شکل بی رحمانه ای جانش را از دست داد. بدلیل نبودن نور کافی و خط کشی نکردن کف توقفگاه منطقه ۲ واقع در کوه های سرخه حصار جاده آبدلی ، آقای مجتبی حسن زاده راننده م ۲ در ساعت ۱۰ شب و هنگام تلاش برای رسیدن به سرویس رانندگان با اتوبوسی که یکی از کارگران ردیف آن را می راند ، برخورد کرده و سپس به زیر چرخهای عقب اتوبوس می افتد و سر او زیر چرخها متلاشی می شود . چه برسر باز ماندگان او می آید ؟

در منطقه ۹ دو راننده بکسل به دلیل نداشتن ابزار کار مناسب و به هنگام جک زدن زیر اتوبوس بر اثر در رفتن جک و افتادن اتوبوس بر روی آنها صدمات جدی دیدند . در این حادثه ضمن کار ، آقای مهدی (رضا) عرب جان سپرد و همکار او آقای ابوالفضل زرکوب از زمان ارسال خبر مرگ همکارش تا حالا در بیمارستان به سر می برد و بستری می باشد.

در آخرین آمارگیری که در زمان بازبودن دفتر سندیکای کارگران شرکت از سوی اعضای سندیکا به عمل آمد ، ارقام باورنکردنی در رابطه با حوادث ضمن کار و یا مرگ های زودرس همکاران را در بر داشت . در آذر ماه ۱۳۸۴ آمار مرگ سی و پنج نفر از همکاران را طی فصل پاییز داشتیم که دو نفر از رانندگان بر اثر تصادف جان سپرده بودند . یکی از رانندگان منطقه ۷ با یک بونکر سیمان در منطقه امین آباد کشته شده بود و یکی از رانندگان در منطقه ۶ زیرچرخ های اتوبوس جان سپرد!

خط قصر الدشت

یکی از رانندگان م ۶ - در رابطه با حادثه ضمن کارخودش با آقای حسین دیدار (۴۷۲۵۸) که یکی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد می باشد ، گفتگو می کند و آقای دیدار از لحاظ قانون او را راهنمایی قانونی می کند ، خیر چین ها به مدیران منطقه خبر می دهند آنها آقای دیدار را به کارگزینی منطقه ۶ نزد آقای مهدی زاغی، می خواهند در آنجا معاون اداری و رئیس کارگزینی ، آقای حسین دیدار را تهدید به اخراج کرده اند که چرا همکاران و رانندگان را با مسائل حقوقی و قانونی آشنا می کنی.

طی هفته گذشته آقای حسین دیدار راننده م ۶ - (ک ۴۷۲۵۸) که در تاریخ ۱۳/۴/۱۳۸۳ به علت حادثه ضمن کار که اتوبوس را بدلیل نبودن راننده داخل تعمیر گاه، مجبور شده است به داخل تعمیرگاه ببرد که سُرخورده و به داخل چال سرویس می افتد و دچار شکستگی دست و کتف سمت راست گردید که به مدت بیش از شش ماه بستری شد که بیش از شش میلیون تومان هزینه بیماری و مداوا را پرداخت کرد . بعد از شکایت به دادگستری ، حکم جبران خسارت فوق (دیه مربوطه) صادر شد.

وقتی به شرکت واحد مراجعه نمود آقای مجتبی حسینی مدیر منطقه ۶ که هم اکنون مدیر کل بهره برداری شرکت واحد شده است . علاوه بر رفتار توهین آمیز در برابر کارگر فوق او را تهدید به اخراج از شرکت واحد کرده است. تا از شکایت قانونی خود و اخذ دیه مربوطه دست بردارد. پیگیری های آقای دیدار ادامه دارد و سندیکا اخبار بعدی در این باره را به اطلاع همکاران و دیگر کارگران ایران و جهان خواهد رساند. طبق آخرین خبر او توانسته حکم جلب مجتبی حسینی را بگیرد.

کارگران شرکت واحد که طی سال گذشته با دادن تعهد عدم همکاری با سندیکای کارگران شرکت واحد به سر کار بازگشتند ، از سوی حراست و مدیران شرکت واحد شدیداً تحت فشار به سر می برند و تعداد زیادی از آنها را با بهانه های واهی اخراج کرده اند . ده ها کارگر به کار باز گشته با اعضای سندیکا تماس گرفته اند و مشکلات خود را با آنها در میان گذاشته اند و به تدریج کارگران متوجه می شوند . برای جلوگیری از ستمهای حراستی ها و رفتار های غیر قانونی مدیران مناطق دوباره باید در حول سندیکای خود متشکل تر شوند و مسئولیت های کمیسیونی بپذیرند.

(گزارش به همکاران)

دفتر سندیکای کارگران شرکت واحد باز گشایی شد.

از تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۲۱ که کارگران عضو سندیکا بر اساس دستور هیأت نظارت بر حقوق شهروندی به سرپرستی

جناب آقای آوایی مدیر کل محترم دادگستری استان تهران به اداره مرکزی شرکت واحد واقع در خیابان هنگام - میدان رسالت ، مراجعه کردند ، مدیریت شرکت واحد با هماهنگی حراست (پلیس امنیتی) و نیروی انتظامی شرکت واحد (اجرائیات) و پلیس امنیتی دو پاسگاه نیروی انتظامی منطقه نارمک و پلیس امنیتی منطقه چهار تهران جلوی ورود کارگران را به اداره مرکز گرفتند ، و کارگران سندیکایی از صبح تا ساعت چهار بعد از ظهر در پیاده روی خیابان و روبروی اداره مرکزی شرکت واحد ماندند و با همکاران و مردم رهگذر و نیروهای انتظامی و اطلاعاتی گفتگو کردند که عاقبت یکی از عوامل حراست به آنها مراجعه کرد و از آنها خواست فردا ساعت ۹ صبح با لیست کارگران اخراجی به اداره مراجعه کنند . یکی از ترفندهای مدیریت و حراست شرکت واحد این بود که سعی می کردند نظم سندیکایی و سلسله مراتب سندیکایی ها را زیر پا بگذارند و با کارگران به شکلی در هم و برهم و فردی برخورد کنند و با ایجاد تردید و با اسلحه تطمیع و ترس و قول آنکه کسانی که تعهد بدهند با سندیکا همکاری نکنند ، آنان را سر کار برمی گردانیم و همه عقب افتادگی های آنها را می پردازیم که اتحاد سندیکایی کارگران مانع از پیروزی این سیاست تفرقه افکنانه شد . فردا صبح که کارگران به اداره مرکزی مراجعه کردند ، حراستی فوق تا ساعت یازده و نیم هیچ جوابی نداد و مأموران انتظامی و امنیت و اطلاعات نیروی انتظامی متوجه دروغ گویی مأمور فوق شدند . همچنین در روز قبل صادقی مأمور حراست سابق منطقه ۷ که پرونده تیره ای نزد کارگران منطقه ۷ شرکت واحد دارد و به تازگی در اداره حراست مرکزی شرکت واحد مشغول به کار شده است می گفت که هیچ نامه ای از دادگاه (هیأت) نظارت بر حقوق شهروندی به شرکت واحد نیامده است . هر وقت نامه ای آمد ، به شما خبر می دهیم . همان موقع آقای مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد به دفتر هیأت نظارت بر حقوق شهروندی تلفن زد و با آقای بهبودی رئیس دفتر آقای رازقندی دبیر محترم هیأت گفتگو نمود و آقای بهبودی شماره نامه ارسال شده به تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۲۰ به دفتر مدیر عامل شرکت واحد را اعلام نمود . در حالیکه مدیر عامل شرکت واحد آقای احمدی بافنده که در ضمن پاسدار هم می باشد به اتفاق آقای شمسایی که ایشان هم مدعی پاسدار بودن و خیلی مزایای دیگر هستند و آقای سادات رئیس جدید حراست مرکز و همان صادقی حراستی منطقه ۷ هم یکروز قبل از آن در جلسه ای که از سوی هیأت نظارت بر حقوق شهروندی احضار شده بود حضور یافته و صورتجلسه ای را دال بر اجرای تبصره ماده ۱۸ قانون کار را مبنی بر پرداخت ۵۰٪ حقوق و دستمزد کارگران سندیکایی تعلیقی که پرونده های آنها در ادارات کار در حال رسیدگی می باشد امضاء کرده بود و تعهد داده بود این مقرر قانون را اجرا نماید . اما شوراهای اسلامی و حراست مانع از این کار می شدند. بعداً معلوم شد که آقای سادات که به تازگی به مقام ریاست حراست شرکت واحد منصوب شده است نظر دیگری دارد و معتقد است که حق کارگران باید داده شود و مطابق دستور آقای علیرضا آوایی مدیر کل دادگستری استان تهران باید ۵۰٪ حقوق و دستمزد ۱۳ ماه دوران تعلیق کارگران پرداخت شود . به هر حال روز ۱۳۸۴/۱۲/۲۱ هم گذشت و همکاران متوجه شدند که سندیکایی ها با نامه قانونی و امضای مدیر عامل برای دریافت حقوق خود به اداره مرکزی آمده اند اما مدیریت شرکت واحد به قول خود وفا نمی کند . حتی نیروهای انتظامی و امنیتی هم متوجه دروغ گویی صادقی که میگفت نامه ای به شرکت واحد نیامده است شدند و شماره نامه اعلام شده را گرفتند و بالا بردند و سپس اعلام شد که مدیر کل مالی هم به جلسه دعوت شده است . و تا بعد از ظهر هم خبری نشد و قول دادند که فردا حتماً انجام می شود. وقتی فردای آن روز لیست کارگران اخراجی هم آورده شد تا بعد از اذان ظهر باز هم خبری نشد و فقط قول می

دادند که مشغول انجام کار هستند تا مبالغ پرداختی به کارگران را محاسبه کنند. اما باز هم خبری نشد و وقتی حسن بهرامی شورایی سابق منطقه ۵ شرکت واحد که حکمی غیر قانونی را برای اداره کار شمال و شمال غرب دال بر جلوگیری از شکایت کارگران اخراجی در هیأت های حل اختلاف را با مهر و امضای کانون شوراهای غرب تهران داده بود، خواست وارد اداره مرکزی شرکت واحد شود البته متأسفانه آقای گودرزی نماینده اداره کار غرب تهران بر اساس همان نامه غیرقانونی حکم اخراج غیر قانونی کارگران را در هیأت تشخیص تأیید کرده بود، در جلوی شرکت واحد دیده شد، در ضمن او جزء کسانی بود که با چوب و چماق به سندیکای کارگران و اعضای آن حمله کرده بودند، مشاهده او باعث اعتراض کارگران گردید که با چشمان گریان فرار را بر قرار ترجیح داد. همچنین وقتی علی مهدویخواه یکی دیگر از شورایی های امضاءکننده حکم اخراج غیر قانونی کارگران قصد ورود به اداره مرکزی را داشت با نفرین و خشم کارگران روبرو شد او و حسین خدایی شورایی منطقه شش در کمال بی رحمی حکم اخراج خلاف قانون کارگران را کماکان امضاء می کنند. وقتی یکی از کارگران فریاد زد: (خائن به حقوق کارگران) در بین جمعیت زیادی که در خیابان می رفتند فقط علی مهدویخواه بود که به سمت صدا برگشت و بعد پا به فرار گذاشت. او در هفته قبل وقتی با اعتراض رو در روی کارگران رو برو شده بود در کمال گستاخی جواب داده بود: دلم می خواهد حکم اخراج هر که را بخوام امضاء می کنم.

اما دیروز وقتی یعقوب سلیمی عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد از جلوی در اداره تلفنی از او سؤال کرده بود چرا حکم اخراج کارگران را امضاء میکنی؟ علی مهدویخواه اقرار کرده بود: ما به زور حکم اخراج کارگران را امضاء می کنیم، برای اخراج شما هفت تیر روی شقیقه ما گذاشتند. ما حاضریم که نظر جدید برای برگشت به کار سندیکایی ها را اعلام کنیم! در ادامه این پیگیری ها صدها نفر از رانندگان و کارگران و کارمندان شرکت واحد از سندیکایی ها دلجویی و احوالپرسی کردند و خود را مدیون تلاش ها و عذاب هایی که آنها کشیده بودند، می دانستند و اعلام می کردند برای همکاری با سندیکای خود آماده اند و از اینکه هیأت مدیره و فعالان سندیکا هنوز در اخراج به سر می برند ناراحت و شرمزده اند و دل آنها می خواهد که هر چه زودتر در دفتر سندیکای خود حاضر و آموزش های حقوقی - قانونی ببینند. به هر حال تا بعد از ظهر هیچ اتفاقی برای پرداخت حقوق کارگران صورت نگرفت و تازه صادقی حراستی در ساعت ۲/۲۵ تا ۳ بعد از ظهر اعلام کرد که هیچ پرداختی و هیچ خبری نیست، که منجر به اعتراض کارگران تعلیقی شد که با فریاد الله اکبر، خود را به دفتر مدیر عامل شرکت واحد در انتهای راهروی طبقه دوم شرکت واحد رساندند و فریاد دادخواهی خود را به گوش مقامات و خدا رساندند. مدیر عامل آقای احمدی بافنده از اتاق کنفرانس بیرون نیامد. نهایتاً با پادرمیانی و قول هایی که آقای سادات رئیس جدید حراست و سرگرد گودرزی رئیس اجرائیات نیروی انتظامی شرکت واحد دادند قرار شد که فردای آن روز ساعت یازده پاسخگو باشند و ۵۰٪ دستمزدهای معوقه را بپردازند، که بالاخره اعضای اخراجی کارگران سندیکای شرکت واحد به احترام قول یکی از افسران نیروی اجرائیات شرکت واحد و سرگرد گودرزی و آقای سادات محل ساختمان اداره مرکزی شرکت واحد را در حدود ساعت ۵ بعد از ظهر ترک کرده و فردا ساعت ۸ صبح روز ۱۳۸۵/۱۲/۲۳ آقایان مددی - آسالو - غلامی - حیات غیبی - نژاد کودکی به دفتر هیأت نظارت بر حقوق شهروندی مراجعه و شرح ماوقع چند روز گذشته را ضمن یک نامه و توضیحات شفاهی اعلام و رونوشت نامه فوق را به دفتر آقای درخشان نیا معاون محترم آقای آوایی دادند و خود را در ساعت یازده به اداره مرکزی شرکت واحد رساندند. در ساعت یازده، بیست و شش نفر دیگر از سندیکایی

ها به آنها پیوستند و حالا همه نیروهای امنیتی - پلیسی - انتظامی - نگهبانان آتش نشانی شرکت واحد و همه کارگران و رانندگانی که از آنجا می گذشتند به حقانیت کارگران سندیکایی اعتراف می کردند و همه آنها بارها و بارها از پله ها بالا و پایین می رفتند و برای کارگران اخراجی سندیکا خبرمی آوردند و هرچه زمان طولانی ترمی شد، سکوت ، نظم ، آرامش و اقتدار قانونی کارگران سندیکایی شرکت واحد ، حقانیت آنها را به نیروهای انتظامی هم آشکارتر می کرد تا جایی که مأموران نیروی انتظامی هم اعتراف به حقانیت آنها کرده و نگهبانان آتش نشانی شرکت واحد خود را مدیون تلاش های سندیکا اعلام می کردند . بالاخره از ساعت ۴ بعدازظهر به بعد با نظارت آقای مددی و همکاری آقایان سادات - گودرزی - عرب و مسعودی ، چک های مطالباتی دستمزدهای کارگران صادر گردید و کارگران یک به یک به قسمت مالی مراجعه و چک های خود را دریافت نمودند . جالب این که وقتی کارگران یک به یک برای گرفتن چک هایشان به قسمت مالی مراجعه می کردند همراه هر کدام یک افسر نیروی انتظامی همراه می شد و در دوسوی راهروی اداره مرکزی افسران و درجه داران نیروی انتظامی به حالتی احترام آمیز ردیف ایستاده بودند و هر کارگری که چکش را می گرفت مجدداً همراه یک افسر تا دم در بدرقه می شد . وقتی که همه چک ها داده شد ، سرگرد گودرزی رئیس اجرائیات نیروی انتظامی شرکت واحد چک مربوط به آقای مددی را با رفتاری احترام آمیز و با دو قدم به پیش به ایشان دادند و گفتند : این چک فرمانده است ، که آقای مددی جواب دادند : من فرمانده نیستم ، خدمتگذارم و تشکر نمودند . سرگرد گودرزی تأکید کردند شما فرمانده هستید ! آقای مددی جواب دادند : من با دستور پائینی ها (کارگران) کار می کنم اما شما دستور از بالائی ها می گیرید به هر حال از شما به نمایندگی از کارگران قدردانی می کنم. سپس محل دفتر را به همراه یکی از افسران ترک کرده و نزد کارگران آمدند. ده نفر دیگر از کارگران که چک های خود را نگرفته بودند صبح ۱۳۸۵/۱۲/۲۴ به اداره مرکزی شرکت واحد مراجعه و چک های خود را گرفته و در بانک ملی شعبه شرکت واحد چک خود را نقد کردند . اما در این هنگام مشخص شد که دو تن از اعضای سندیکا، آقای صادق خندان و غلامحسینی هنوز ۵۰٪ دستمزد خود را نگرفته اند ، پس از مذاکراتی قرار شد ، شنبه صبح مشکل آنها حل شود و اعضای سندیکا در حمایت از همکاران خود از مطالبه دریافت کرده خود ، مبالغی را برای یاران خود در نظر بگیرند و همچنین تصمیم گرفتند برای احقاق حق همکاران خود ، راه قانونی حق طلبانه خود را ادامه دهند . آن روز صبح همه رهگذران و کارگران با عدسی پخته شده توسط آقای غلامحسینی و نان داغ بربری و چایی لب سوز سندیکا پذیرایی شدند . همه کارگران ، رانندگان و حتی همه کارمندان و برخی مدیران مردمی و حامی کارگران از اینکه کارگران سندیکایی به قسمتی از حقوق خود رسیده اند خوشحال بودند ، امسال نوروز چند روز زودتر به خانه کارگران شرکت واحد آمد

(ادامه ماجرا)

بالاخره درروز ۱۳۸۵/۱۲/۲۷ سندیکایی ها دوباره به جلوی اداره مرکزی آمدند. آنها صبح ساعت ۸ به دفتر هیأت نظارت برحقوق شهروندی مراجعه کردند و شرح ماوقع را به آنجا دادند، اعضای هیأت به سرپرستی آقای آوایی مدیرکل محترم دادگستری استان تهران رأی به پرداخت دستمزد عقب افتاده (۵۰٪) این دو کارگر زحمتکش دادند. نامه فوق را آقایان مددی - اسالو - نعمتی پورو غلامحسینی گرفته و برای آقای احمدی مدیرعامل شرکت واحد آوردند

متأسفانه آقای احمدی بافنده از دریافت نامه به وسیله نیروهای انتظامی خودداری نمود، یعنی دستور داده بود کارگران عضو سندیکا را به داخل شرکت راه ندهند، در نتیجه سرگرد گودرزی نقش واسطه و نامه رسان را به عهده گرفت و زحمت کشید نامه را به دبیر خانه برد و ثبت دفتر کرد سپس شماره ثبت و تاریخ آن را برای نمایندگان کارگران آورد و تأکید کرد فردا صبح ساعت ۹ اینجا باشید تا من خودم جوابگوی شما باشم. کارگران به قول او اعتماد کردند، رفتند و فردای آن روز، ساعت ۹ صبح بازگشتند.

از ساعت ۹ صبح تا ۱۱ هیچ کس جوابگوی آنان نبود بالاخره در ساعت ۱۱ آقای سرگرد گودرزی نزد آنها آمد و گفت جلوی دراصلی روبه روی اجرائیات نایستید، خوب نیست! با من به جلوی در منطقه ۱ بیایید. زمانی که به آنجا رفتند ایشان گفت: من به داخل اداره می روم تا پیگیر کار شما باشم. تا ساعت ۱ بعداز ظهر خبری نشد، در این ساعت سه نفر از مأموران پلیس امنیتی منطقه ۴ یا کلانتری ۱۳۶ نارمک به آنجا مراجعه و با کارگران گفتگو کردند و گفتند: که کارگران حق دارند و نامه از قوه قضائیه بالاترین دستور است و طبق دستور مدیریت شرکت واحد باید ۵۰٪ دستمزد کارگران را بدهد و گفتند ما به داخل اداره می رویم تا حق شما را بگیریم. دوباره تا ساعت ۳ بعد از ظهر هم خبری نشد، در این ساعت سه مأمور از اداره بیرون آمدند و گفتند: ما موفق نشدیم! می رویم با رئیسمان صحبت کنیم، بعداز رفتن آنها کارگران به افسران نیروی انتظامی که در جلوی در منطقه ۱ جلوی آنها را گرفته بودند، گفتند:

عیبی ندارد امروز شما جلوی دستور قوه قضائیه را گرفتید! اما ما فردا و هر روز دیگری به همراه همکاران و خانواده هایمان به شرکت مراجعه نموده و خود را به دفتر آقای احمدی بافنده، (مدیر عامل) می رسانیم و جواب نامه دادگستری را از او خواهیم گرفت. ساعت از ۴ گذشته بود و خورشید روبه غروب می رفت که کارگران از جلوی شرکت رفتند و آنهایی که ۵۰٪ را گرفته بودند مبلغی به دو همکار خود دادند تا آنها در روزهای نوروزی پول نمانند. در جلسه ای که بعد از ظهر اعضای سندیکا با هم داشتند قرار گذاشتند که طبق اصل سندیکا: همه برای یکی، یکی برای همه روزهای بعد به اداره مرکزی مراجعه کنند، فردای همان روز یعنی روز ۱۳۸۵/۱۲/۲۹ از حراست شرکت واحد به برادر آقای صادق خندان تلفن زدند و گفتند: که چک های این دو نفر هم حاضر است. قبل از ساعت ۱۲ ظهر بیایند و چک هایشان را بگیرند.

این بهترین خبری بود که بعداز یکسال خانواده های کارگران عضو سندیکای کارگران شرکت واحد شنیدند، حالا می شد نوروز را واقعاً شاد بود و جشن گرفت. زنده باد اتحاد کارگران.

خبرنگار سندیکا

۲۹ اسفند ۱۳۸۵

منبع: سایت سندیکای کارگران شرکت واحد